

## دو اسب در توازی

میثمِ رواییِ دیلمی

بر خطِ واقعه، آن اسب

– برجِ عجیبِ شیبه و تردید –

بارویِ خویش را

پیشِ نگاهِ مضطربش می‌دید.

پیشِ نگاه، اسبِ موازی

در خود به خونِ خودش می‌ریخت

و باره‌یی که پرید

خطی عمود

از خونِ خود

بر وقعه می‌کشید.

برجِ عجیبِ باره و بارو – اسب،

در شیبه‌های تبش

خطِ موازیِ مرثیه بر رد بود

تردید  
در توازی ایمان  
عمود.



هذیانِ یال  
بر برجِ مضطربِ باد؛  
ایمان و باره و بارو  
در یک سؤال:  
بال